



# مذکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس سه شنبه اول آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۴۵

جلسه ۳۲

علی خان اعظمی - آقاسید حسن مدرس - طباطبائی دیبا.  
غائبین بی اجازه - آقایان: محمد ولی خان اسدی - میرزا  
عبدالباقر جمشیدی مازندرانی - میرزا ابراهیم خان قوام - عباس

مجلس دو ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل  
و صورت مجلس یکشنبه بیست و نهم آبان قرائت و تصویب شد.  
غائبین با اجازه - حاج آقا میرزا حبیب الله امین -

میرزا فرمانفرمایان - محمد هاشم میرزا افسر - آقا سید حسن آقایان، دیرآسده با اجازه - آقای: حاج حسن آقا ملک، دیرآسدهگان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی - فیروز میرزا فیروز - مرتضی قلی خان بیات نظام مافی - آقا رضا مهدوی - اسکندر خان مقدم - حاج شیخ بیات - دکتر محمد خان مصدق - داور.

آقای حائری زاده شرحی مشعر بلزوم تقدیم بودجه بلدیة و جمع و خرج اداره ارزاق و مالیات راهها و عوائد و مخارج مالیات قند و چای از طرف دولت به مجلس تقریر و آقای شریعت زاده پیشنهاد نمودند خبر کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی از دستور خارج و آقای رئیس الوزراء نیز عقیده شان این بود خبر مزبور به کمیسیون اعاده و پس از اظهار نظریات دولت مجدداً به مجلس تقدیم شود.

آقای یاسائی شرحی مشعر به مخالفت با خروج راپورت مزبور از دستور اظهار و بالاخره به پیشنهاد آقای شریعت زاده رأی گرفته رد و آقای وزیر فوائد عامه تقاضا نمودند لایحه اتوبوس رانی در دستور مقدم شود و پس از مذاکره نسبت به تقاضای ایشان رأی گرفته تصویب گردید خبر کمیسیون خارجه در آن خصوص قرائت و خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به این موضوع مطرح و در ضمن شور کلی آقای فرزند مخالف بوده و عقیده شان این بود که اولاً این قبیل امور که سرمایه های گزافی لازم ندارد برای اتباع داخله در نظر گرفته شود و ثانیاً اتوبوس رانی را در شهر با وضعیت فعلی جزء تجمل و موجب ضررهای اقتصادی و برخلاف حفظ الصحه تصور مینمودند.

آقای روحی مخبر کمیسیون فوائد عامه اظهار مینمودند دولت و مجلس هیچگاه از مساعدت باتباع داخله مضایقه نداشته و چون اتباع داخله هنوز برای این امر حاضر نشده اند به کمپانی خارجی اجازه داده میشود و این اجازه هم برای احتیاجات و آسایش عامه است و بهیچ وجه جزء تجمل محسوب نمی شود.

ورود در شور مواد تصویب و در ماده اول آقای میرسمتاز عقیده شان این بود چون این قبیل امور از وظائف بلدیة است مقتضی است این لایحه به کمیسیون داخله ارجاع و از آنجا راپورت داده شود. آقای مخبر اظهار نمودند این موضوع برطبق رأی مجلس به کمیسیون فوائد عامه ارجاع شده و این مسأله موجب مخالفت نبایستی واقع شود.

آقای وزیر فوائد عامه در جواب آقای افشار که اظهار مینمودند شرکاء این کمپانی معلوم نیست از اتباع چه دولتی هستند اظهار نمودند هر کس سهام هر شرکتی را خریداری نماید جزء شرکاء محسوب میشود و این کمپانی هم از چند شرکت تشکیل شده.

آقای مخبر در جواب آقای آقا سید یعقوب راجع به تعیین مدت برای حق تقدم و شرایط الغاء این اجازه و اختیار دولت در اعطاء امتیاز باشخاص دیگر در صورتی که شرایط بهتری پیشنهاد نمایند و از طرف کمپانی قبول نشود اظهار نمودند برای شور دوم این مسائل ذکر خواهد شد.

چهار فقره اصلاح از طرف آقایان: فهیمی - بیات - معتمد و آقا سید یعقوب قرائت و به کمیسیون ارجاع شد.

در ماده دوم آقای احتشام زاده هفت خط را برای ایاب و ذهاب اتوبوس در شهر طهران غیر کافی دانسته و عقیده شان این بود در لایحه ده خط نوشته شود.

آقای مخبر اظهار نمودند خطوط قابل اتوبوس رانی در شهر طهران بیش از این موجود نیست و برای رفع احتیاج اهالی همین مقدار کافی است و آقای محمدولی میرزا این قبیل مطالب را مربوط به نظامنامه دانسته و عقیده شان این بود به نظر وزارت فوائد عامه واگذار شود.

دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان احتشام زاده و آقا سید یعقوب قرائت و به کمیسیون ارجاع و در ماده سوم نیز آقای آقا سید یعقوب عقیده شان این بود که این قبیل مواد مربوط به نظامنامه بوده و ذکرش در قانون ضرورتی ندارد و آقای شیروانی عقیده شان این بود شرایط معینه در راپورت اساسی بوده و ذکرش لازم است.

آقای بهبهانی راجع به عدم تناسب امتداد خطوط و غیره شرحی تقریر و آقای مهدوی با عقیده ایشان موافق بوده و آقای مخبر اظهار مینمودند این قبیل مسائل در نظامنامه پیش بینی خواهد شد. دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان حائری زاده و معتمد قرائت و به کمیسیون مراجعه شد.

در ماده چهارم آقای فهیمی اظهار نمودند اولاً این لایحه امتیاز نیست که این تکالیف برای کمپانی معین شده و ثانیاً تعیین این مسائل از وظائف انجمن بلدیة است.

آقای حائری زاده اصلاحی پیشنهاد نموده و به کمیسیون ارجاع گردید.

در ماده پنجم آقای ارباب کیخسرو عقیده شان این بود مبلغی را که کمپانی بایستی از عایدات خود بدولت تسلیم نماید بالصراحه نوشته شود و آقایان مخبر و شیروانی اظهار مینمودند حق دولت کمتر از صد پنج نخواهد بود ولی در این جا حداقل معین شده که دولت بتواند مبلغ بیشتری مقرر دارد.

دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان حائری زاده و میرسمتاز قرائت و به کمیسیون ارجاع شد.

در ماده ششم آقای یاسائی عقیده شان این بود تعیین تکلیف اختلافات حاصله بین دولت و کمپانی و مسأله عدم انتقال به غیر در ماده ذکر شود و آقای احتشام زاده عقیده شان این بود ترتیب مزد عملجات و تعیین حق اولویت برای درشکه چیان کرایه در استخدام این کمپانی پیش بینی شود و بالاخره هفت فقره پیشنهاد از طرف آقایان: بهبهانی - حائری زاده - شیروانی - میرسمتاز - احتشام زاده ضیاء و فهیمی قرائت و به کمیسیون ارسال و برای ورود در شور ثانی اخذ رأی شده تصویب گردید.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل و یک فقره طرح قانونی راجع به اراضی صحرای تراکم که از طرف آقای محمد آخوند و عده از آقایان تقدیم شده بود به کمیسیون مستکرات ارجاع شد.

دهد و نسبت به پیشنهاد ایشان نیز رأی گرفته تصویب نشد. پس از آن نسبت به اصل مراسله وزارت داخله یعنی تشکیل کمیسیون اخذ رأی شده رد شد.

جلسه آتی به روز پنجشنبه سوم آذرماه سه ساعت قبل از ظهر و دستور آن خبر کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی مقرر و مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد.

راجع به غیبت بی اجازه آقای آقا سید حسین آقایان و آقای جمشیدی اظهار شد که با اجازه بوده. آقای رئیس اظهار فرمودند اصلاح میشود دیگر مخالفی نبود و صورت مجلس تصویب شد. پنجشنبه ۳ آذرماه ۱۳۰۵.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین  
(منشی: سید ابراهیم ضیاء) (منشی - سید محمد موقر)

### صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه اول آذر ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۷ جمادى الاولى ۱۳۴۵

آن مالیات سرحدی گذارده شده یک تقسیماتی شده که آنها هم صورتش برای اطلاع آقایان نمایندگان به مجلس نیامده. مالیات انحصاری که وضع شده صورت دخل و خرجش به مجلس نیامده اگر بنا باشد این سابقه را ما قبول کنیم که در قانون وقتی پیش بینی شد که فلان مالیات برای فلان مصرف است و همه ساله دولت استیذان کند برای مخارج آنها و صورت دخل و خرج را به مجلس نیاورند کم وجود مجلس عاقل و باطل میشود از این جهت بنده خواستم تذکر بدهم که این مسامحه که در ادوار پیش شده است دولت باید جدیت کند که دیگر مسامحه نشود و بودجه بلدیة ها و ارزاق و مالیات انحصاری و مالیات طرق و شوارع در جزء بودجه کل مملکتی به مجلس بیاید.

جمعی از نمایندگان - دستور.

یک نفر از نمایندگان - جواب ندادند.

حائری زاده - جواب ندارد باید عمل کنند.

وزیر فوائد عامه - بطوریکه آقا فرمودند انشاء الله عمل خواهد شد.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. پیشنهاد آقای شریعت زاده. (اینطور خوانده شد)

مقام منبع ریاست: بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون راجع به بلدیة از دستور خارج شود.

شریعت زاده - البته آقایان نمایندگان در جلسه قبل متوجه شدند که شروع در مباحثه این قانون بیشتر برای این بود که چیزی در دستور نبود و امروز لایحه اتوبوس رانی حاضر است و بهتر این است جزء دستور شود و دیگر اینکه یکی از دلائلی که به نظر بنده قابل توجه است این است که در خارج مذاکراتی جریان دارد که راجع به تقدیم این خبر تشریفات و مراسم مؤثره از نقطه نظر نظامنامه بعمل نیامده و این مطلب دو قسم تصور میشود یا اینکه بعمل آمده باشد یا بعمل نیامده باشد به هر جهت این سوء تفاهمی

مراسله از طرف وزارت داخله مشعر به تقاضای تشکیل کمیسیون از طرف مجلس برای رسیدگی بوضعیت انتخابات کاشان و تعیین تکلیف آن قرائت و آقای حائری زاده داخله مجلس را در این قبیل امور برخلاف وظیفه قانون گذاری تصور نموده و عقیده شان این بود دولت برطبق قانون انتخابات را خاتمه دهد.

آقای آقا سید یعقوب شرحی راجع بسوء جریان انتخابات کاشان و گیلان اظهار و عقیده شان این بود مجلس بطور فوق العاده در این امر دخالت نموده که اهالی بیش از این در زحمت نباشند. آقای فاطمی نیز مخالف بوده و آقای بیات پیشنهاد نمودند مکتوب وزارت داخله طبع و توزیع شده در جلسه بعد مطرح شود و در آن خصوص رأی گرفته تصویب نشد.

آقای بهار پیشنهاد نمودند این موضوع را در مجلس مطرح نموده و وزارت داخله بموجب قانون عمل نموده انتخابات را خاتمه

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید)

(صورت مجلس روز یکشنبه بیست و نهم آبان را آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - قبل از دستور.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - قبل از دستور.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا. (اجازه)

محمد ولی میرزا - قبل از دستور.

رئیس - آقای دولت شاهلی. (اجازه)

دولت شاهلی - قبل از دستور.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - قبل از دستور.

رئیس - آقای عدل. (اجازه)

عدل - بنده میخواستم تذکر بدهم که مدت مرخصی بنده بیست و پنج روز بود ولی در صورت مجلس بیست روز نوشته اند.

رئیس - اصلاح میشود. آقای حقنویس. (اجازه)

حقنویس - عرض ندارم.

رئیس - صورت مجلس دیگر مخالفی ندارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده عرض مفصلی ندارم و خیلی هم سرورم که آقای رئیس الوزراء و وزیر فواید عامه هم حضور دارند و تذکری که بنده میخواهم بدهم راجع به بودجه های مملکتی است. در این دو دوره گذشته که بنده در مجلس بوده ام بودجه بلدیة و ارزاق به مجلس نمی آمد حال که مالیات باج راهها موقوف شده و بجای

که شده بنده شخصاً قائل هستم که در خارج با مساعدت آقای رئیس باید از بین برود. زیرا البته اگر فرض کنیم این تشخیصات واقعیت خواهد داشت مؤثر خواهد بود در اینکه همانطور که عرض کردم موافقت بشود که امروز لایحه اتویوس رانی مطرح شود تا اینکه آن موضوع در خارج حل شود.

رئیس - راجع به این قسمت در جلسه گذشته هم عرض کردم که این مطالب مربوط به هیئت رئیسه است و تعقیب این قضیه در مجلس تولید اشکال میکند و در صورتیکه هیئت رئیسه قادر بشود و صلاح بداند به عرض مجلس برسد. در عین حال لازم میدانم عرض کنم از روزیکه کمیسیون داخله هیئت رئیسه خودش را انتخاب کرده تاکنون هیچ راپرت رسمی دائر به شکایت به بنده و هیئت رئیسه نرسیده است و یک شهرتهائی اگر در خارج هست آن دیگر مربوط به بنده نیست.

رئیس الوزراء - بنده راجع به قضیه طرح قانونی مربوط به بلدییه خواستم تقاضا کنم آقایانیکه این طرح را داده اند موافقت کنند با نظر دولت که این طرح برگردد به کمیسیون و دولت نظریاتی که دارد در کمیسیون اظهار کند و آنچه لازم است مطالعه و اصلاح شده بعد به مجلس بیاید و اگر آقایانیکه این طرح را داده اند مساعدت کنند و با نظر دولت موافقت نمایند گمان میکنم اصلاح باشد.

رئیس - چون این طرح به کمیسیون داخله رفته و کمیسیون هم راپرت داده است دیگر نمیشود به کمیسیون رجوع شود مگر اینکه آقایانیکه این طرح را داده اند بکلی مسترد کنند.

آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - پیشنهادی را که آقای شریعت زاده راجع بخروج این راپرت از دستور نموده اند و فرسودند از نقطه نظر اینکه در جلسه گذشته چیزی در دستور نبوده است این راپرت در دستور گذاشته شده اینطور نیست برای اینکه همه ما متوجه بودیم که در دوره پنجم و دوره چهارم متذکر شد که قانون بلدییه باید اصلاح شود و مؤسسات بلدی دائر گردد زیرا از قرائن و آثار مشروطیت یکی داشتن بلدییه های قانونی است و هر وقت ما در اطراف بلدییه ها صحبت میکردیم میگفتند لازمه اش این است که قانونش اصلاح شود و وقتی قانون اصلاح شد بلدییه های قانونی تشکیل خواهد شد و بنده هیچ موجبی نمی بینم که تأخیری در این مسأله بشود و این راپرت را از دستور خارج کنیم. در قسمت اخیر فرمایش ایشان هم آنچه که لازم بود آقای رئیس فرمودند و همانطور که فرمودند اینگونه مناقشات بنظر بنده مناسب نیست در مجلس طرح شود آقای رئیس الوزراء هم فرمودند که این راپرت از دستور خارج بشود تا دولت نظریاتی که دارد در کمیسیون بگوید اولاً نماینده دولت یعنی معاون وزارت داخله چند جلسه در کمیسیون حاضر شدند و نظریاتی که داشتند اظهار کردند بعلاوه این راپرت دوشور دارد در شور اول که ناگزیر یک قسمت از وقت مجلس را میگیرد مذاکراتیکه لازم است میشود و پیشنهادهائی هم آقایان نمایندگان می کنند و به کمیسیون مراجعه میشود. ممکن است برای شور

دوم دولت هم نظریات خودش را اظهار کند و این قانون بطوریکه نظر دولت و نمایندگان است اصلاح شود.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای شریعت زاده. که این لایحه از دستور خارج شود. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد.

وزیر فوائد عامه - بنده تقاضا میکنم که لایحه راجع به اتویوس رانی در دستور مقدم باشد و بعد داخل در آن مذاکره بشوند.

رئیس - مقصود ایشان مقدم داشتن در دستور است.

آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - بنده اصلاً در اینکه این مسأله مربوط است به وزارت فوائد عامه یا بلدییه تردید دارم و بعقیده بنده این کار مربوط است بلدییه و تا قانون بلدییه را تمام نکنیم که معلوم شود اعطای امتیازات و انحصارات شهری مربوط است بلدییه یا به وزارت فوائد عامه نمی توانیم این قانون را مطرح کنیم. خوب است آقایان تأمل بفرمایند این قانون که تمام شد اگر مجلس رأی بدهد که امتیازات و منابع انحصاری شهری مربوط بلدییه است آنوقت این لایحه باید از طرف وزارت داخله به مجلس بیاید. و اگر گفتند غیر مربوط بلدییه نیست آنوقت مطرح شود والا یک لایحه که الان مشکوک است و نمیدانیم چطور در آن رأی بدهیم چگونه میشود مطرح کرد؟

وزیر فوائد عامه - یک اشخاصی مدتها است اینجام عمل هستند. اینها مخارج دارند وقتی این لایحه بگذرد هر قسمی که مجلس قبول کرد ممکن است بهمانجا مراجعه بشود والا در اصل اینکه ما میخواهیم اتویوس برانیم تردید نیست. بعد که اینکار گذشت هرطور تشخیص شد رجوع میشود به آنجا اگر نباشد یا بلدییه باشد به آنجا مراجعه میشود و اگر هم بجای دیگر نباشد رجوع شود رجوع میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود به تقدیم لایحه اتویوس رانی در دستور. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به اتویوس رانی مطرح است. کمیسیون امور خارجه هم تصدیق ملیت را کرده اند ولی نظریاتی اظهار کرده اند که لازم است قرائت شود فعلاً خبر کمیسیون امور خارجه قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون امور خارجه لایحه وزارت فوائد عامه و خبر کمیسیون فوائد عامه را در باب اعطای حق تقدم در امتیاز انحصار اتویوس رانی شهر طهران و شیمیران به کمپانی منفقه دانمارکی مطرح نموده و از نقطه نظر ملیت با اعطای حق تقدم به کمپانی مزبور موافق است ضمناً توجه خواطر نمایندگان را بلزوم افزودن شرایط ذیل در امتیازنامه معطوف میدارد که با موافقت کمیسیون

فوائد عامه اصلاح شود. در ماده اول باید قید شود که حق انتقال به کمپانی های غیر دانمارکی نداشته باشد بعلاوه برای استفاده از حق تقدم مدتی باید معین شود که اگر کمپانی در آن مدت اتویوس رانی را دائر نمود حق تقدم ساقط باشد و همچنین راجع به اختلافات حاصله بین کمپانی با افراد یا با دولت لازم است متابعت قوانین داخلی تصریح شود توضیحاً معروض میدارد که مسائل فوق با حضور وزیر فوائد عامه مذاکره شد و ایشان نیز موافقت داشتند.

رئیس - خبر کمیسیون فوائد عامه مطرح است. شور در کلیاتست آقای عباس میرزا (اجازه)

یک نفر از نمایندگان - غائبند.

رئیس - آقای فرمند. (اجازه)

فرمند - بنده از سه نقطه نظر با این لایحه مخالفم. نقطه نظر اول بنده این است که یک کارهای کوچکی که سرمایه صد هزار تومانی یا صد و پنجاه هزار تومانی میخواهد ما نباید اینها را بخارجی ها واگذار کنیم باید اینها را بگذاریم برای داخلی ها و دولت سرمایه داران داخلی را تشویق کند که این قبیل کارها را انجام دهند. البته کارهای خیلی بزرگ از قبیل استخراج نفت که سرمایه های بزرگ و متخصصهای فوق العاده میخواهد آنها را میشود بخارجی ها داد ولی باید در نظر بگیریم که کارهای خیلی کوچک را به سرمایه داران داخلی واگذار کنیم. اصولاً باید این فکر را کرد که هرگونه کسی که در این شهر یا در این مملکت منفعت دارد نباید تمام اینها را بخارجیها داد. در داخله ما هم اشخاصی هستند که سرمایه دارند و باید آنها هم میدان داشته باشند برای اینگونه کسبها و چون اینها کار کوچکی است و می توانند انجام دهند بهتر این است به آنها واگذار شود. از نقطه نظر فنی هم خیلی مهم نیست و بنده تصور میکنم دادن این امتیاز به کمپانی خارجی مورد ندارد. نقطه نظر دوم بنده این است که دولت و حکومت ایران باید این نکته را در نظر بگیرند که ما تجملات تمدن جدید اروپا راهی وارد نکنیم اینجا یک قدری هم معنویاتش را وارد کنیم. آنچه بنده می بینم تمام تقلید ما از تجمل قرن بیستم است و هیچ معنویتش را در نظر نداریم. مثلاً اتومبیل رانی و سوار شدن اتومبیل اول خیابان میخواهد خیابانهائی که با چوب یا با سیمان درست کرده باشند یا با قیر ساخته شده باشد. آنوقت در همچو خیابانها باید اتومبیل سوار شد عجلتاً این اتومبیلها که در شهر طهران سوار میشویم برای ما تجمل است. برای اینکه ما ایرانی ها وقت ما این اندازه قیمت ندارد که اتومبیل سوار شویم و بسرعت برق برویم...

یک نفر از نمایندگان - چرا؟ قیمت دارد.

فرمند - بنده اینطور تشخیص داده ام که قیمت ندارد. مثلاً اگر آقای بیات با اتومبیل تشریف بیاورند یا با درشکه بیایند پنج دقیقه بیشتر فرق نمی کند. بنده همه روزه پیاده می آیم و از همه آقایان زودتر میرسم ما در ضمن اینکه این تجملات را در نظر نظر میگیریم باید این فکر را بکنیم که این تجملات پول مملکتی

را میرسد. اتومبیل. بنزین. لاستیک. تمام اینها پول مملکت ما را میبرند بخارجیه. و اگر ما بخواهیم از نقطه نظر اقتصادی پول مان را به جریان بیندازیم بهتر این است که از یک مجاری دیگری داخل بشویم. مثلاً پرفسور بیاوریم و در مقابل پول بدهیم عیبی ندارد. زیرا پولی که میرود در مقابلش علم داخل مملکت نمیشود ولی هی برویم اتومبیل و غیره بیاوریم. بنظر بنده اینها تجمل است بنده اتومبیل سواری را در شهر طهران تجمل میدانم. ولی از شهری بشهر دیگر تجمل نیست. بلکه جزو ضروریاتست زیرا سهولت فراهم میکند و تجار و مأمورین دولت اگر بخواهند مسافتی به پیمایند البته با اتومبیل احسن است لیکن در شهر طهران اگر ما درشکه سوار شویم یا اتومبیل سوار شویم یا پیاده برویم هیچ فرق نمی کند. بلکه بطوریکه بنده تشخیص داده ام ایرانیهای قدیم عموماً یک گردش هائی میکردند اسب سوار میشدند در صورتی که حالا آنطور تفریح ها هیچ نیست. ورزش هم که نیست و اینهم قطعی است در جامعه که ورزش نباشد نژاد آن جامعه رو بانحطاط می رود. خوب است ما این چیزها را هم از اروپائیها یاد بگیریم آنها تشخیص داده اند که اگر در یک جامعه ورزش نباشد نژادش رو به انحطاط می رود و بعکس اگر ورزش بکنند نژادش خوب میشود چرا ماهی آوردن اتومبیل را یاد میگیریم؟ همه اش را پرداخته ایم به تجملات و ضروریات را هیچ یاد نگرفته ایم بنده عجلتاً اینطور فهمیده ام که اگر ما بخواهیم تمدن قرن بیستم را یاد بگیریم باید به بینیم آنها چطور و از کجا شروع کرده اند کدام قسمتش معنویت دارد و کدام قسمتش را صوری است. ما عوض اینکه اتومبیل یا طیاره سوار شویم خوبست یک اندازه هم معنویت را کسب کنیم. نظر سوم بنده این است که این اتومبیل ها که ما در طهران داریم و سوار میشویم با این خیابانهای پر خاکی و پر کثافت (مقصودم از شهر بخارج نیست سوء تفاهم نشود) در خیابانهای پر گل و پهن شهر که اتومبیل حرکت میکند تمام این کثافات را در هوا پراکنده میکند. پس برای یک همچو شهری که خیابان صحیح ندارد اتومبیل یا اتویوس راه انداختن بعقیده بنده چندان صحیح نیست در خیابانهای پاریس که اتومبیل حرکت میکند یک ذره گرد و خاک نیست زیرا خیابانها را با قیر و سیمان ساخته اند و بنده معتقدم که از نقطه نظر حفظ الصحه ما باید کوشش کنیم که شهرمان اول مثل شهرهای اروپا خیابانهایش با قیر و سیمان ساخته شود بعد اتومبیل رانی کنیم والا اگر غیر از این بکنیم بعقیده بنده بضرر ما تمام میشود. شهر طهران دو قسمت است یک قسمت بازار و آن پائین شهر است که روی بازار هم پوشیده است که آفتاب نمیگیرد و معدن میکرب است. یک قسمت هم بالای شهر است که اتومبیلها آنجاها را ملوث می کنند اینطور که بنده تشخیص داده ام انسان سه چیز را از همه چیز لازم تر دارد اول نان خوب دوم آب صحیح سوم هوای خوب در شهرها بدبختانه آبش که محلول کثافت است. نانش هم که همیشه تلخ است. و یک مواد عجیب و غریبی دارد که برای معده فوق العاده بد است فقط یک هوائی دارد که آن را هم اتومبیلها و اتویوسها خراب

می کنند. بعلاوه یک چیزی هم میخواستم خدمت آقای وزیر فواید عامه عرض کنم که در ظرف این دو سه سال اخیر (نه جدیداً) یک نفر آمده است برای لوله کشی شهر طهران...

رئیس - خارج از موضوع است. فرمند - بنده معتقدم چیزهایی که پیشنهاد میشود خویست از نظر حفظ الصحه و غیره رعایت شود و وزارت فواید عامه زیادتیر توجه کنند یک چیزهای مفیدی را پیشنهاد کنند و یک چیزهایی که جنبه لوکس دارد و پول هم از این مملکت خارج میکنند آنها را پیشنهاد نکنند.

روحی مخبر کمیسیون فواید عامه - بنده تصور میکردم لایحه که در مجلس بیاید و در اطرافش کمتر مشاجره شود و به نفع عموم باشد همین لایحه است و هیچ انتظار نداشتم که نماینده محترم در این باب این اندازه از وقت مجلس را بگیرند و یک مسائلی را اظهار دارند که اصلاً مربوط به اصل موضوع نبود. قسمت اولی که بیان کردند این بود که چرا این کارها را به سرمایه داران داخلی نمیدهند بنده میگویم مجلس و دولت و مملکت آغوشش باز است برای اینکه هر سرمایه دار داخلی هر امتیازی اعم از نفت، اتوبوس رانی، راه آهن و غیره بخواهد به او بدهد، ما هیچ مضایقه نداریم از اینکه به سرمایه داران داخلی کمک کنیم از هر حیث و هر قسم که مقتضی باشد ولی این را باید بدانید که هنوز یک قسمت از جریانات مملکت ما روی مدار اجتماعی نیفتاده، زندگی ایرانی از بنده و جنابعالی بلکه از مابالای آنها همه زندگانی روزمره است و همه اش در فکر آن هستیم روزگار بکنیم و شب از دسترنج خود استفاده کرده و بخوریم. هیچ حاضر نیستیم یک سرمایه را پیاپی مثل یک تخمی که زراعت میشود و بعد حاصل او را برداریم. البته این قبیل کمپانیهای کوچک که میبایند در داخله مملکت ما باید آنها را هم تشویق کرده که بیایند بما کار یاد بدهند تا در آتیه خودمان بتوانیم استفاده کنیم. یک قسمت از فرمایش آقای راجع به این بود که باید قبلاً خیابانها را تسطیح کرد و بعد اتوبوس رانی ایجاد نمود. عرض میکنم در هر چیزی البته باید احتیاج حس بشود بعد موجبات آن ایجاد بشود (فلسفه است) میگویند احتیاج خلایق دارد. وقتیکه اتوبوس و اتومبیل وارد در مملکت شد و به مردم فشار آورد و گل بسرشان ریخت آنوقت در نتیجه این امر ممکن است خیابانها یا سیمان ساخته شود و بالاخره چیزهایی که موجب راحتی عموم است ایجاد بشود اینها یک چیزهایی است تدریجی و البته ما هم در آتیه نزدیکی به آنها خواهیم رسید قسمت سوم فرمودند: که این قسمت تجملی است بنده عرض میکنم اگر اتومبیل شخصی را تجملی گفته بودید بنده قبول میکردم والا یک اتومبیلی که یک کاسب بیچاره را از ته دروازه قزوین باهشت شاهی میبرد تا بازار سرکارش چه تجملی دارد؟ اما اینکه در اتومبیل ورزش نمیشود بنده هم با آقا موافقم. البته در اتومبیل نمیشود ورزش کرد و اگر کسی حفظ الصحه لازم دارد باید صبح زود از خواب برخاسته اول ورزش بکند که جثه اش قوی بشود بعد برود عقب کارش. یک قسمت دیگر راجع به آب و نان و

هوا فرمودند که اینها چون از موضوع بحث بنده خارج است از عرض آنها خودداری میکنم. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس - رأی گرفته میشود بشور در مواد. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول مطرح است. آقای میرممتاز اجازه خواسته بودند راجع به این قسمت است؟ میرممتاز - بلی، اجازه میفرمائید. رئیس - بفرمائید.

میرممتاز - نظر مخالفت بنده از مدار قانونی لایحه بود زیرا مطابق جزو یازدهم از ماده هفتاد فصل سه قانون بدلی این قسم امور در داخله شهر از وظائف مختصه انجمن بدلی است و مربوط به وزارت داخله است و نظر بنده این بود که این لایحه برود به کمیسیون داخله و پس از مذاقه در آنجا بیاید به مجلس و مطرح شود.

مخبر - این قسمت قبلاً مذاکره شد و آقای وزیر فواید عامه هم توضیحات لازمه را دادند. بعلاوه عرض میکنم که این لایحه قبلاً به مجلس آمده و مجلس تشخیص داده که باید برود به کمیسیون فواید عامه و چون مجلس این رأی را داده بنابراین دیگر تصور نمیکنم جای مخالفت باشد.

رئیس - آقای افشار. (اجازه)

افشار - همانطوری که قبلاً مذاکره شد عقیده ام این است که در اینگونه موارد که اجازه های کوچک است یکطوری بشود که کمپانیهای داخله هم بتوانند امتیاز بگیرند. حالا که گذشت. در اینجا که مینویسد: کمپانی متفقه دانمارکی، معلوم نیست که این اتفاق از افراد و اتباع خود دانمارک یا یک اتفاقی است با یک دول دیگر که در تحت این کلمه (دانمارکی) اینجا نوشته شده است؟

وزیر فواید عامه - امروز در دنیا میشود گفت که تمام کمپانیهایی که هستند سرمایه شان سهام است. این اختصاص به یک ملت هم ندارد. هر کس از این سهام بخرد شریک است و مقصود از این متفقه که در اینجا نوشته شده متفقه بین دو سه شرکت است نه دو سه دولت و غالب اتفاق می افتد که این کمپانیها دو سه شرکت هستند که روی هم میریزند و یک کمپانی تشکیل میدهند.

رئیس - آقای معتمد التولیه اینجا نوشته اید مخالفم. در این ماده است؟

معتمد - خیر بنده مخالفتم برای همان بود که عرض شد که این جزو بلدی است.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده عقیده ام این بود اول آن ماده را که کمیسیون خارجه تنظیم کرده مخبر کمیسیون فواید عامه آن ماده را در نظر بگیرند بواسطه اینکه کمیسیون خارجه دو مسأله را

متوجه شده است و هر دو هم صحیح است یکی مسأله اینکه بنده خیلی وحشت میکنم. چون انسان مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد. بنده ترسم از این است که این امتیاز هم حقیقه طوری بشود که تا پانزده سال دیگر ما از این لکنه شکسته ها فراغت حاصل نکنیم یعنی از این واگونهای شکسته و بنده وحشتم از این است که این زمینیه باشد که این کمپانی و آن کمپانی فکری کرده باشند که تا پانزده سال دیگر ما را گرفتار کنند. این خیال شاید در اعضاء کمیسیون خارجه هم بوده و بهمین جهت در نظر گرفته اند که ما این حق تقدم را برای یک مدت معینی به این شرکت متفقه بدهیم یعنی معین کنند اگر تا سه ماه چهار ماه ششماه این شرکت اقدام نکرد به این عملیات، حقش ساقط باشد که فردا به توسط فلان سفیر یا فلان وزارت خارجه صحبت نکنند که مجلس فلان حق را بمن داده و اسباب یک مضیقه برای ما واقع شود. اگر کمیسیون فواید عامه این را معین کند که این حق تقدیمی که در ماده اول ما میخواهیم بدهیم محدود به یک حدود معینی بشود مثلاً حق تقدم تا ششماه که اگر تا ششماه این شرکت متفقه اقدام نکرد به کلی این حقش از بین میرود...

میرزا عبدالله خان وثوق - قید شده.

آقاسید یعقوب - در لایحه کمیسیون فواید عامه قید نشده است یکقدری شما هم مطالعه کنید بعد فریاد بزنید. در راپورت کمیسیون خارجه قید شده ولی در راپورت کمیسیون فواید عامه قید نشده. این است که بنده مخبر محترم را تذکر دادم که این را به عنوان تبصره در ماده اول قید بفرمایند همانطور که آقای وزیر فواید عامه فرمودند با اینکه یک ماده مستقلی باشد برای اینکه تنها در راپورت کمیسیون خارجه بودنش اثری ندارد. و یک مسأله دیگر این بود که بنده خودم در کمیسیون فواید عامه بودم که آقای مهدوی یک پیشنهادی کردند حالا هم بنده به عرض مجلس میرسانم. تمام این امتیازات یا اجازه نامه ها یا حق تقدیمی که ما در این مجمع القوانین دادیم یک مدت آخری دارد تنظیمش را کار ندارم هر جور میدانند تنظیم کنند. در وقتی که دولت بخواهد یک امتیاز را بدهد باید اعلان کند که من میخواهم این امتیاز را بدهم که الان با اینکه حق تقدم رابه این شرکت میدهد دولت در تمام این مدت پانزده سال حق داشته باشد اعلان کند که این امتیاز را میدهم و یک همچو اختیار آزادی برای دولت باشد و با این شرط این حق تقدم را بدهد منتها اینکه در بین شرکتهای مختلف و متعددی که میبایند این شرکت بسا شرایط مساوی حق تقدم داشته باشد. همینطور که در مجمع القوانین مان راجع به تمام امتیازات هست یعنی حق اولویت این است که اگر پیشنهاداتی از طرف شرکتهای وزارت فواید عامه واصل شد پیشنهاد این شرکت متفقه مقدم باشد. نظریات بنده در ماده اول که امال مواد است این دو مسأله بود حالا اصلاحش را آقای مخبر محترم هر جور صلاح میدانند قبول کنند. بنده هم یک پیشنهادی در این موضوع کرده ام و چون ماده اول وانی به این مقصود نبود به این جهت در تحت مخالفت عقاید خودم را

عرض کردم.

مخبر - اظهارات نماینده محترم آقای آقا سید یعقوب یک قسمتش مبنی بود بر راپورت کمیسیون امور خارجه که به عقیده بنده این مطالب سه قسمت است در قسمت اول و دوم کمیسیون موافقت میکنند و در مواد مربوطه ما آنها را جا میدهیم و قسمت سوم که موضوع قوانین داخلی است آنها را هم باز موافقت می کنیم منتها با نظر آقای وزیر فواید عامه و البته بطور رضایت بخشی اصلاح خواهیم کرد. و اما این موضوع حق تقدم که دولت حق داشته باشد موقعی که چند کمپانی بدولت مراجعه کردند اگر پیشنهادات همه مساوی بود در صورت تساوی این کمپانی حق تقدم داشته باشد این نظریه جنابعالی در این ماده تأمین شده. مینویسد «اگر چند کمپانی آمدند و هر کدام یک پیشنهاداتی دادند در صورت تساوی شروط دولت تا پانزده سال حق تقدم را برای این شرکت قائل میشود» و اگر یک شرطی را این کمپانی قبول نکرد حق تقدمش ساقط و امتیازش لغو است و اگر بدقت در این ماده مراجعه بفرمائید نظریه جنابعالی کاملاً تأمین شده:

رئیس - پیشنهاد آقای فیهمی.

(به شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل نوشته شود: ماده اول - بدولت اختیار داده شود که اجازه اتوبوس رانی آزاد را به کمپانی متفقه تجارتی دانمارکی (که بموجب قوانین دانمارک شرکت دانمارکی شناخته شود) برای شهر طهران و شمیران بدهد با این شرط که هرگاه برحسب پیشنهاد دیگری دولت بخواهد اتوبوس رانی طهران و شمیران را امتیاز انحصاری بدهد این کمپانی با شرایط مساوی از تاریخ تصویب این قانون تا پانزده سال حق تقدم خواهد داشت بدون اینکه بتواند حق مزبور را به کمپانی غیر دانمارکی انتقال دهد.

رئیس - پیشنهاد آقای بیات.

(به این مضمون قرائت شد)

بنده تبصره ذیل را به ماده اول پیشنهاد مینمایم. تبصره - در صورتیکه تا ششماه اتوبوسها را در طهران حاضر نکرده و این خطوط را دائر نمایند این حق تقدم ساقط خواهد شد. رئیس - ارجاع میشود بکمیسیون.

آقا سید یعقوب - یک پیشنهادی هم بنده عرض کرده ام. رئیس - خیلی خوب. پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب هم قرائت میشود بعد ارجاع میشود بکمیسیون.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده اول این نوع نوشته شود: بدولت اجازه داده میشود که اجازه غیر انحصاری اتوبوس رانی آزاد را بکمپانی شرکت متفقه تجارتی دانمارکی برای طهران و شمیران بدهد در تمام مدت اجازه دولت میتواند اجازه بشرکت دیگری بدهد در صورت تساوی شروط حق تقدم با شرکت متفقه است.

رئیس - پیشنهاد آقای معتمد التولیه.

(باین ترتیب قرائت شد)

نظر بمقدمه فوق سطر دوم بعد از عبارت (طهران و شمیران) کلمه حضرت عبدالعظیم اضافه شود.

رئیس - ماده دوم مطرح است. آقای میرمتاز در این ماده هم مخالفید؟

میرمتاز - خیر عرضی ندارم.

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - موافقم.

رئیس - آقای احتشام زاده (اجازه)

احتشام زاده - وضعیت وسائل حمل و نقل در شهر طهران بقدری بد است و مخصوصاً خرابی واگون که دولت و مجلس را وادار کرده است باینکه برای تسهیل اهالی این اقدام را بکنند بالاخره این لایحه بمجلس آمده و مجلس هم مطرح کرده و مشغول مذاکره است. بعقیده بنده باید احتیاجات شهر طهران در نظر گرفته شود و حالاً که یک لایحه اتوبوس رانی برای شهر طهران بمجلس میاید و تصویب میشود باید تمام احتیاجات شهر منظور شود.

در این ماده مینویسد: کمپانی مزبور متعهد است در هر یک از هفت خطی که در نظامنامه تعیین خواهد شد «اینجا انحصار داده است بهفت خط. در صورتیکه احتیاج شهر طهران و خیابانهای که محل احتیاج عمومی است بیش از هفت خیابان است. مخصوصاً در نظامنامه هفت خطی که نوشته شده است هیچ ذکری از خیابانهای جنوبی شهر نشده و بهیچوجه برای اهالی جنوبی شهر که فوق العاده از حیث حمل و نقل در زحمت هستند خطی در نظر گرفته نشده است باینجه بنده معتقد هستم که هفت خط کافی برای احتیاجات طهران نیست و بایستی بیشتر و بقدر احتیاجات شهر (که تصور میکنم لااقل ده خط باید باشد) منظور شود تا کاملاً احتیاجات اهالی شهر از حیث حمل و نقل رفع شود و دیگر از این حیث در زحمت نباشند.

مخبر - اینکه آقا متذکر شدند که هفت خط کافی نیست عرض میکنم کمپانی اختیار دارد در هر مورد هر جائی را که دید جمعیت دارد و ایاب و ذهاب دارد و منفعت میکند خط اتوبوس رانی را دایر کند ما هیچ محدود بهفت خط نکرده ایم. اما بالنسبه بجنوب شهر که نگران هستند در طرف جنوب شهر خطی که بتواند اتوبوس از آنجا عبور کند جز خیابان ماشین و دروازه حضرت عبدالعظیم خط دیگری نیست آن راهم بطوریکه آقای وزیر فواید عامه اطلاع دادند یکی از خطوط اساسی همین خط خواهد بود و همین نظر سرکار را تأمین می کند.

رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه)

محمدولی میرزا - تصور می کنم برای تأمین همان نظری که آقای احتشام زاده فرمودند اساساً نباید یک همچو چیزی در قانون ذکر شود و این یک صورتی دارد که خیلی باید دقت در آن بشود. اگر ما داری یک انجمن بلدی بودیم او تشخیص می داد و حتماً هم اوست بایست تشخیص بدهد و شاهد همانطوری که آقای احتشام زاده اظهار کردند احتیاجات ایجاب می کرد که ده خط قید شود. در هر صورت بطور کلی این را خوب است موکول کنند به

در جمع و خرج دارد که باید در تحت نظر مجلس باشد بنده بآن موافقم ولی سایر مسائل مربوط به نظامنامه است و باید در تحت نظر بلدی یا وزارت فواید عامه باشد و مربوط به مجلس نیست قانون یک امر کلی است و اینها قانون نیست که ما در اینجا بگذاریم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه).

شیروانی - عرض می کنم. دولت هم همین کار را کرده بود. یک ماده واحده مطابق نظر آقای آقاسید یعقوب تقدیم مجلس کرده بود و ده ماده از مواد نظامنامه راهم برای اطلاع مجلس ضمیمه آن ماده کرده بود حالا در قسمت اتوبوس رانی طهران شاید یک مضراتی نداشته باشد که بموجب یک ماده واحده مجلس اجازه به دولت بدهد که این حق تقدم را به یک کمپانی بدهد ولی تصدیق می فرمائید که این سابقه بدی خواهد شد و یک راه بدی ما باز خواهیم کرد برای دولت که یکوقت یک مسائل خیلی سهم دیگری را مثل لایحه راه آهن مثلاً همین طور یک ماده واحده بیاورند به مجلس و بخواهند از مجلس اجازه بگیرند و باین ترتیب بخواهند عمل کنند و البته آقای آقاسید یعقوب نماینده محترم نباید به یک چنین چیزی رضایت بدهند کمیسیون وقتی مراجعه باین مواد کرد دید غیر از آن ماده حق تقدم تقریباً چهار ماده اصلی دیگر دارد که این مواد در قسمت امتیازات و حق تقدمها همیشه باید به تصویب مجلس برسد. یکی از آنها تعیین خطوط است که ارتباط به منافع عمومی دارد و البته باید به مجلس بیاید مثل اینکه در خطوط راه آهن همیشه این رعایت می شود که تعیین خطوط را همیشه باید مجلس بکند در خطوط اتوبوس رانی هم باید مجلس نظر کند. یکی دیگر تعیین تاکس و قیمت است. این هم یک چیزی است که مربوط به مسائل عمومی است و یک نوع از قوانینی است که باید مجلس معین کند. یکی هم تعیین مالیات است که صدی پنج بخزانة دولت می دهد. بدیهی است مالیات راهم هیچ مقامی جز مجلس صلاحیت تعیین ندارد. بنابراین گمان می کنم آن روز خود نماینده محترم هم در کمیسیون تشریف داشتند که این مذاکرات شد که گفتیم علاوه بر آن ماده مواد دیگری هم که می خواهند در نظامنامه بنویسند بعضی آنها از مواد اصلی است و باید حتماً به تصویب مجلس شورای ملی برسد ولی بقیه مواد البته مربوط به نظامنامه می شود و تصور می کنم آن نکته راهم که آقای محمدولی میرزا فرمودند آن هم مربوط به یکی از مسائل اساسی و اصولی است که باید مجلس تصویب کند.

رئیس - آقای بهبهانی (اجازه).

بهبهانی - یکتقداری از نظریات بنده را آقای احتشام زاده و آقای محمدولی میرزا بیان فرمودند که بنده تکرار نمی کنم ولی قسمتی را که آقایان فرمودند و بنده در نظر دارم این است که در این لایحه مرکز اصلی میدان سپه معین شده است.

حائری زاده - در لایحه نیست.

بهبهانی - در لایحه نیست ولی در نظامنامه نوشته شده است

و در لایحه هم نوشته اند مطابق نظامنامه میشود. البته نظامنامه هم از روی همان است که دولت تنظیم کرده و حاضر هم هست و مشعر بر این است که مرکز اصلی میدان سپه است در حالی که اگر کسی بخواهد از بازار به خیابان علاءالدوله برود یا از بازار به میدان مشق یا به خیابان چراغ برق برود مجبور است دو کورس بدهد یعنی دو جا قیمت حساب شود. به اینطور که یک کورس از بازار تا میدان سپه و مثلاً یک کورس دیگر هم از میدان سپه تا چراغ برق یا خیابان علاءالدوله و گذشته از این امتداد این کورس ها خیلی بی تناسب است زیرا از میدان سپه تا پای ماشین یک کورس حساب میشود و از میدان سپه تا نزدیک دروازه آخر خیابان سپه یک کورس محسوب است و از بازار تا میدان سپه هم یک کورس است. در اینصورت بنده تصور میکنم در اینجا باید دو مرکز قرار دهند چنانچه اگر ملاحظه فرمائید واگون هم همینطور است یعنی از بازار تا آخر خیابان لاله زار را یک خط فرض کرده و از میدان سپه که خطوط واگون منشعب میشود خط بازار به لاله زار را یک کورس قائل شده و علیحده قرار نداده است. بنابراین بنده تصور میکنم با این مقدار وجهی که میگیرید یعنی دو عباسی باید دو مرکز قرارداد شده. باین معنی که اگر کسی بخواهد مثلاً از بازار به خیابان چراغ برق برود یک مقدار معینی وجه بدهد و از میدان سپه به آخر دروازه قزوین یا آخر خط چراغ برق هم همینطور یک مقدار معینی بدهد اینها یک مسائلی است که باید در نظر گرفت و بنده لازم میدانم که یک جرح و تعدیلی بشود.

مخبر - البته تصدیق میفرمائید که اولاً برای مرکزیت در این شهر محلی بهتر از میدان سپه نیست. اما این قسمتی که ملاحظه میفرمائید بطور مثل نوشته و ذکر شده است که اگر مسافری خواست از یک خطی عبور کند مثلاً دو عباسی قیمت معمولی را بپردازد. والا ما معلوم نکرده ایم در این قانون که از کجا بکجا یک خط حساب میشود و حدود فلان خط تا کجا است و از اینجا تا آنجا چقدر باید بدهند. بالاخره اینها مسائلی است که تمام باید در در نظامنامه قید و معین شود و البته وزارت فواید عامه با نماینده کمپانی مذاکرات لازمه را خواهد کرد و یک ترتیب اساسی در این کار خواهد داد و بدیهی است مسئله یک طوری نخواهد بود اسباب زحمت و ضرر مردم باشد علاوه اگر آقا باز یک نظریاتی دارند ممکن است به آقای وزیر فواید عامه فرمایند و مذاکره کنند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

سهدوی - بنده مخالفم. عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

سهدوی - بنده کاملاً با نظریات آقای بهبهانی موافقم و خودم هم همین عقیده را دارم بعد از اینکه این راپورت در کمیسیون فواید عامه تنظیم شد بنده رفتم به وزارت فواید عامه با آقای وزیر در این باب همین نظریه آقای بهبهانی را مذاکره کردم فرمودند با نماینده کمپانی مذاکره میشود و یک ترتیبی داده میشود که از خط بازار تا علاءالدوله یک تخفیفی داده شود و برای شور دوم اصلاح خواهد شد امیدواریم آقای وزیر مذاکره بکنند و برای شور

دوم نتیجه حاصل شود.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهاد آقای حائری زاده. (اینطور قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده سوم نوشته شود (خطوط سیر اتوبوس ها را بلدیۀ طهران معین خواهد کرد).

رئیس — پیشنهاد آقای معتدالتولیه. (باین مضمون قرائت شد) پیشنهاد میکنم در تبصره سطر اول بعد از عبارت (در تمام ایام سال اینطور اصلاح شود) دو اتوبوس صبح یکی به تجریش و یکی بحضرت عبدالعظیم فرستاده شود و عودت دهد و همچنین دو اتوبوس دیگر در عصر.

رئیس — ماده چهارم مطرح است. آقای فهیمی (اجازه)

میرزا خلیل خان فهیمی — بنده اولاً خواستم خاطر آقایان را به یک موضوعی متوجه کنم و تذکر بدهم چند مرتبه آقایان در اینجا فرمودند (امتیاز) در صورتی که این امتیاز نیست و تجارت یک حق آزادی است. این اجازه است و تمام اشخاص میتوانند اتوبوس بیاورند درشکه بیاورند. اینها یک چیزهای آزادی است. امروز هم این لایحه اتوبوس رانی که مطرح است باید بصورت تجارت آزاد تلقی شود و هر تکلیفی که ما برای سایر چیزهایی از این قبیل معین میکنیم برای این هم باید معین کنیم. ولی تعیین تکلیف در اینجا برای این کمپانی مثل این است که ما تصدیق ضمنی کرده باشیم که این امتیاز است. از این گذشته همانطور که آقایان در قسمت اول فرمودند این امتیاز مربوط است به بلدیۀ در صورتیکه این اجازه حق تقدم است و دادن حق تقدم بامجلس است و فقط ماده اول کافی است و سایر قسمتها و مواد این لایحه مربوط به بلدیۀ است زیرا بلدیۀ باید در هر شهری میزان جمعیت و رفت و آمد اتوبوس را معین کند یا اینکه قیمت چقدر باید بدهد کم بدهد یا زیاد. تعیین همه اینها با بلدیۀ است ولی تعیین خطوط سیر راه آهن با مجلس است و تعیین امور بلدیۀ با خودش است. ملاحظه فرمائید مثلاً اگر در انزلی یا در رشت بخواهند اتوبوس رانی راه بیندازند هیچ مناسب است که مجلس در این قضیه وارد شده و بگوید از کدام کوچه یا خیابان اتوبوس باید حرکت کند؟ تشخیص این سراتب با انجمن بلدی محلی است. لذا بنده هم در تعقیب فرمایشات آقایان استدعا دارم این سه چهار ماده را که از وظائف انجمن بلدی است از این قانون تفکیک و مستثنی کنند و فقط به آن یکی دو ماده که مربوط به حق تقدم است اکتفا کنند. خلاصه باید دانست که این لایحه امتیاز نیست.

مخبر — آن قسمتی که فرمودند امتیاز نیست بنده هم موافقم که امتیاز نیست و اجازه نامه است اما نسبت به آن فرمایش که فرمودند بلدیۀ باید معین کند ، بنده حالاً کار ندارم به اینکه بلدیۀ باید معین کند یا فوائد عامه. یا خطوط از کجا بکجا باید کشیده شوند در این موضوع مادی دخل نبوده ایم در موقع خودش بلدیۀ یا فوائد عامه (یا هر کدام که شد) خودشان معین می کنند ولی در قسمت سوم لازم است عرض کنم این پولی که بدولت میدهد در واقع یک نوع مالیات است کمپانی از عایدات خالص خودش صد پنج بدولت میدهد و این یک مالیاتی

طلا و لیره در مملکت ما و جاهای دیگر جاری است و بالاخره از آنجا که ممکن است یک تغییرات اساسی در عوائد کمپانی پیدا شود. همانطوریکه می بینیم پایتخت ما در این چند ساله رویه آبادی می رود ممکن است عوائد کمپانی هم به مرور و بواسطه این تغییرات زیاد شود در اینصورت ما دست دولت را باز گذاشتیم که در این قبیل موارد بتواند یک اضافاتی از کمپانی دریافت دارد. اما اینکه فرمودند باید دست دولت را کاملاً باز گذاشت و هیچ ذکری از مبلغ نکرد آنوقت مثل این است که اجازه داده باشیم دولت هرچه دلش میخواهد بکند که اگر مثلاً دولت دلش خواست صد سه هم قرار بدهد مختار باشد. ولی ما صد پنج را قطعی کردیم و نسبت به باقی دست دولت را باز گذاشتیم که در مواقعی اگر مقتضی دانست و از نقطه نظر تغییراتی که در طرز تجارت و بیرونی و سایر عوائد کمپانی پیدا میشود دولت با کمپانی داخل مذاکره شود و اضافه از او بگیرد و این هیچ ضرر ندارد. این نقطه نظری است ما بود و تصور نمیکند ماده ابهامی داشته باشد.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت میشود.

(به این کیفیت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنجم عوض جمله (بدولت ایران) نوشته شود (به بلدیۀ طهران).

رئیس — پیشنهاد آقای میرممتاز.

(به این مضمون قرائت شد)

بنده در ماده پنج پیشنهاد میکنم عایدات خالص آنچه راجع به شهر است به بلدیۀ پرداخته شود.

رئیس — ماده شش مطرح است. آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — مخالفت بنده با ماده شش این راپورت چند جنبه دارد. اولاً تازه یک نقل پیدا شده است که مورد مباحثه هم شده که اجازه دولت یک موضوع خاصی دارد و امتیاز هم یک موضوع خاصی. و ممکن است راجع به این موضوع سوء استفاده شود در ماده اول این راپورت توضیح دادند که اگر دولت بخواهد امتیاز انحصار بدهد این کمپانی با شرائط متساوی تا مدت پانزده سال حق تقدم خواهد داشت. این اجازه محفوظ داشتن یک حق است برای این کمپانی تا مدت پانزده سال یعنی درین مدت اگر اخواست اول به او بدهند والا هیچ. در هر حال ما نمیتوانیم این را یک اجازه نامه تلقی کنیم و این یک امتیازی است که به یک شخصی داده میشود بعلاوه تکلیف اختلافاتی را که ممکن است بین دولت و این کمپانی حاصل شود در این جا معین نکرده که بچه ترتیب خواهد بود. همچنین در راپورت کمیسیون خارجه یک تذکراتی داده شده که باید مسلماً تکلیف آنها معین شود زیرا بنده تحقیق کردم که چه دولتی از منافع اتباع دانمارک در مملکت ما حمایت و مدافعه میکند گفتند دولت انگلیس. از این جهت و به این نظر دیگر بنده به این لایحه رای نخواهم داد زیرا ما نمیدانیم در آتیه تکلیف اختلافاتی که پیش می آید از چه قرار خواهد بود. مخصوصاً با این محاکمات کذائی وزارت خارجه که ان شاء الله در موقع بودجه

تکلیفش را معلوم خواهیم کرد. در هر حال یک موضوع دیگری که باید در اینجا قید شده باشد و نشده مسأله عدم انتقال است که باید قید شود این کمپانی نمیتواند این امتیاز را بدیگری انتقال دهد و چون این لایحه این نواقص را دارد بنده مخالفم.

مخبر — عرض میکنم در موضوع اجازه نامه و امتیاز نامه مقداری بحث شده و بنده حالا نمیخواهم تکرار مطلب کنم. در موضوع اختلافات بین کمپانی و دولت هم این مسأله ایست که کمیسیون خارجه به آن برخورد و بنده هم موافقت کردم و اعضای کمیسیون هم همه موافقت و البته این لایحه باید بروی کمیسیون و در آنجا اصلاح خواهد شد و در موقعی که عین راپورت کمیسیون خارجه آمد به کمیسیون فوائد عامه به هر جا که این سه قسمت مربوط بود الحاق و اضافه خواهیم کرد. ما هم موافقت و آقای وزیر هم موافقت خواهند کرد و البته نظر نماینده محترم تأمین خواهد شد.

رئیس — آقای احتشام زاده (اجازه).

احتشام زاده — چون این ماده آخر این لایحه است بنده یک مسأله مهمی را در نظر دارم و لازم است عرض کنم...

رئیس — برطبق کدام ماده؟

احتشام زاده — درین جا یک مسأله را اشاره کرده و یک مسأله مهمتری را اشاره نکرده اگر اجازه میفرمائید عرض کنم.

رئیس — اگر راجع به ماده شش است بفرمائید.

احتشام زاده — بلی راجع به این ماده شش است. یکی از مسأله‌ای که بنده خیال میکنم در آتیه اسباب زحمت خواهد شد مسأله مزد عملجات ایرانی است که اینک در واگون هم باین موضوع برخوردیم و دیدیم که برای مستخدمین ایرانی اسباب زحمت شده. در این جا بنده لازم میدانم اشاره کنیم که برطبق نظامنامه مسأله مزد عملجات با کمپانی صورت خواهد گرفت

مسأله دیگری که بنظر بنده اهمیت دارد و مربوط بعیات مردم است مسأله کسانی است که درشکه کرایه دارند. بنده معتقدم که برای حفظ آسایش آنها هم باید یک فکری کرد، زیرا کسانی که متصدی درشکه‌های عمومی هستند در اثر این اتوبوس رانی از بین بیروند. یعنی یک عده زیادی از این اشخاص بی کار خواهند ماند. در اینجا بنده معتقدم که یک حق تقدیمی ما برای درشکه‌چی‌ها قائل شویم که هر وقت کمپانی خواست مستخدم بگیرد این درشکه‌چیها مقدم باشند. باید کاری کرد که این بیچاره‌ها از حق حیات محروم نشوند و یک پیشنهادی هم بنده عرض کرده‌ام.

مخبر — لازم است عرض کنم که قسمت بدوی که مزد عملجات باشد — خیلی مسأله است که (اگر ماده را خوانده باشید ملاحظه فرمائید که در اینجا نوشته و مصرح است) که این قبیل مسأله و خصوصیات در نظامنامه معین خواهد شد و منحصر باین مسأله هم که فرمودند نیست و خیلی از مسأله‌های دیگر هم هست که در نظامنامه معین خواهد شد. اما راجع بفرمایشات اخیرتان حرف غریبی بود — همان مسأله شتر و راه آهن خواهد بود که اگر راه آهن بیاید شتر از بین میرود! آقا. درشکه کرایه یک چیز لوکسی است که معدودی سوار میشوند و آن اشخاصی که درشکه

سوار میشوند هیچ وقت نمایندگان اتوبوس سوار شوند. اتوبوس برای مردمان بیچاره آن کس است که با سیصد دینار یا هفت شاهی میخواید راه دوری را طی کند و در شبکه سوارها هیچ وقت با این مسأله تماس ندارند و گمان نمیکنم این امر ضرری برای در شبکه چیهها داشته باشد حتی بنده عقیده‌ام این است که اگر ما راه آهن تحت الارضی یعنی متروپلیتن را هم علاوه کنیم باز در شبکه و در شبکه چیهها از بین نخواهند رفت برای اینکه طهران یک شهر بزرگی است و جمعیت زیاد دارد و وسائط نقلیه زیاد لازم دارد و باین چیزها در شبکه چیهها از بین نخواهند رفت. و اینکه نماینده محترم میفرمایند خوبست ما یک حق تقدیمی برای در شبکه چیهها قائل شویم که کمپانی از سرمایه خود بآنها مساعدت نماید نفهمیدم مقصودشان چیست؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی.

(این طور خوانده شد)

بنده سطر سوم ماده ششم را بنحو ذیل پیشنهاد مینمایم: برطبق نظامنامه ایست که وزارت فوائد عامه تدوین خواهد نمود. رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده.

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده شش عوض « وزارت فوائد عامه » نوشته شود « بلدیة طهران » و عوض « هیئت وزراء » نوشته شود « انجمن بلدیة »

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی.

(بشرح ذیل خوانده شد)

در ماده ششم پیشنهاد میشود بعد از جمله « وزارت فوائد عامه » اضافه شود « و انجمن بلدیة »

رئیس - پیشنهاد آقای میرممتاز

(باین کیفیت خوانده شد)

پیشنهاد مینماید در ماده شش بعد از وزارت فوائد عامه وزارت داخله هم از نقطه نظر بلدیة اضافه شود.

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(باین نهج قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مادامشش این طور اصلاح شود: ماده شش - سایر مسائل و خصوصیات مربوطه باین اجازه نامه از قبیل عرض و طول اتوبوسها و نظافت آنها و تشخیص خطوط انصب و تعیین مزد مستخدمین کمپانی و منظور نمودن حق تقدم استخدام برای متصدیان و سورجیان و کارگران در شبکه های عمومی که عده زیادی از آنها در نتیجه بکار افتادن اتوبوسها بی کار خواهد شد و غیر آن برطبق نظامنامه ایست که از طرف وزارت فوائد عامه تدوین و تصویب انجمن بلدی خواهد رسید.

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء قرائت میشود.

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میشود که فراز اخیر ماده شش بترتیب ذیل اصلاح شود: « برطبق نظامنامه ایست که وزارتین فوائد عامه و

رئیس - آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده خیلی تعجب میکنم از اینکه ماهه وقت میخواستیم شأنه خودمانرا از زیر بار بیرون ببریم!! آقایان وقایعی که در گیلان و کاشان واقع شده در نظر بگیرید، تمام گیلان راسیاه پوش کرده اند!! آنوقت ما میتوانیم این انجمن را بگوئیم صحیح است؟! با این کثافت کاریهاییکه در گیلان واقع شده است ما نباید تا این درجه احتیاط بکنیم! فردا بنده و جنابعالی گیرهستیم. بنده هیچ عقیده ندارم که دولت مرقانون را ملاحظه کرده و میکند. دولت سابق ملاحظه کرد! انجمن مرکزی طهران ملاحظه کرد! حالا ما گرفتاریم! خیر این جور نیست! بنده عقیده دارم که مجلس بعنوان کدخدا بنشی یا بهر عنوانیکه میخواهد باین کثافت کاریهایی که از طرف دولتهای سابق و این دولت واقع شده است خاتمه بدهد. آقایان وقایع کاشان و گیلان را ملاحظه کنید حقیقة اقتضاح آوراست، ما رقتیم در هیئت رئیسه نشستیم وزیر داخله هم آمد، معاون وزارت داخله آمد، نماینده های محترم آمدند، دولت میگوید من عاجز هستم از اینکه باین وضعیت خاتمه بدهم، پس کی باید این کار را بکند؟ آقا جان ملکوت مال ماست. ما نباید بنظر رقابت و ضدیت بهم نگاه کنیم!! میخواهید حمله هم بمن بکنید، بکنید اما بنده این موقع را فوق العاده میدانم و حق میدهم بمجلس که در این قضیه وارد شود و حل مسأله کند زیرا هیچ قوه فوق قوه مجلس نیست. آقایان این وقایع را بطور ساده نگاه نکنید. یک سابقه بدی در طهران گذاشته شد که بگیلان و کاشانهم این سابقه سرایت کرد و آنها را باین روز سیاه انداخت، سابقه که جلوی چشمان بود حرف نزدید!! امروز که مصونیت دارید بنشینید و حل کنید و از این احتیاط کاریهای آقای حائری زاده که میفرمایند ما مقننه هستم او مجریه است بنده چیزی نمیفهمم. آقا مجریه که نمیتواند این کار را بکند دیگری هم نمیتواند، این را مسلم بدانید، بالاخره قضیه فوق العاده است و باید اقدام کرد آخر در مواقع فوق العاده چه قوه باید مداخله کند و قضیه را خاتمه دهد؟! بعضیها میگویند ما استیضاح از دولت میکنیم!! خوب دولت شد این کثافت کاری که در کاشان و گیلان شده است از بین میرود، بنده عرض میکنم دوائی برای این درد معین کنید نه اینکه بنده تکلیف را بگردن دیگری بیندازم دیگری هم بگردن من بیندازد!! کاشان بدبخت را نگاه کنید، تابحال بیست هزار تومان پول تلگراف داده اند!! مدتهاست تعطیل کرده اند تمام زندگانی این مردم بدبخت که ما باید بحال آنها تفضل کنیم از بین رفته است!! گیلان بدبخت هم همینطور! مثل همان مسأله اسلابول است که آیا تیر به لاهوتیش زده است یا بناسوتیش!! بنده تصور میکنم که این مسأله فوق العاده است و موقع آنست که مجلس یک تصمیمی اتخاذ کند که این دو ولایت را از این کثافت کاری واز چنگال این انجمنها نجات دهد.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - بنده متأسفانه با نظریات آقای آقاسید یعقوب

مخالفم و علتش هم این است که موضوع را اینقدر که ایشان اهمیت دادند بنده اهمیت نمیدهم. مسأله انتخابات یک شهر و اختلاف دودسته اینقدر فوق العاده نیست که مجلس درش دخالت کند در صورتیکه مجلس هیچوقت در این قبیل امور نبایستی مداخله بکند، اگر بنیاد یک وزیری رفت و در یک انتخاباتی مداخله کرد و نتوانست یک اشکالاتی که در ضمن کار پیش میاید رفع بکند و بخواهد بگردن مجلس بیندازد که یک کمیسیون در مجلس معین شود این خوب ترتیبی نیست. کمیسیون که معین شد چه کار بکند؟! آقای آقاسید یعقوب میفرمایند در رشت چه کرده اند، بنده هم با شما موافقم و عرض میکنم جریاناتی که تا کنون پیش آمده است بایستی تعقیب شود و هر وزیری هم که باشد بنده حاضرم که استیضاح کنم برای اینکه بنده اطلاع دارم که حتی حمامهايشانرا هم بسته اند ولی این یک کار است که مربوط است بوزارت داخله و اگر شما بخواهید این سابقه را هم تعقیب بفرمائید دیگر از دوره هفتم بعد هیچوقت انتخابات تمام نخواهد شد و اشکالاتی تولید میشود که اصلاً دیگر مجلس شورای ملی مفتوح نمیشود تا اینکه یک کمیسیون معین کند و این قضایا را حل کند، البته باید فهمید که اگر در انتخابات یک اغراضی از طرف دولت اعمال میشود اشکالی برای ما ندارد استیضاح میکنیم والا مداخله کردن در امریکه در چند جای قانون تصریح دارد که از وظایف خاص وزارت داخله است ما نباید مداخله کنیم و یک همچو مسئولیتی را قبول کنیم.

رئیس - پیشنهاد آقای بیات قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مکتوب وزارت داخله طبع و توزیع شده و در صورت صلاح در جلسه بعد مطرح شود.

بیات - چون این مسأله یک قضیه ایست همانطور که اظهار شد سابقه ندارد و امروز هم یکمرتبه یک همچو مکتوبی در مجلس قرائت و مطرح شده است چون یک اصلاحاتی هم در نظر آقایان هست که گمان میکنم در خارج بایستی یک مذاکرات و مطالعاتی بشود بنابراین ما بهتر میتوانیم در این قضیه حکمت کنیم لهذا بنده پیشنهاد کردم در صورتیکه مقتضی بدانند بماند برای جلسه بعد و یک تصمیم قطعی در این مسأله گرفته شود، این است عقیده بنده.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - بنظر بنده قضیه که یک وقت طولانی و یک مذاکرات مفصلی لازم دارد قضیه ایست که نظری باشد و مشکل باشد که اغتنام وقت کنند و یک مدتی در آن فکر کنند ولیکن بنظر بنده این قضیه بقدری واضح است که در همان مذاکره شخص دوم و سوم معلوم شد - یک قانونی تدوین شده است برای انتخابات - یک وزارتخانه هم مأمور اجرای این قانون است و باید اجرا کند و بالاخره اگر مجلس بخواهد یجزئیات امور مملکتی رسیدگی کند باید تمام اوقات خودش را صرف این قبیل قضایا بکند - بنابراین بنده با این نظریه آقای بیات مخالفم و گمان

میکنم خودشان هم تصدیق بفرمایند که این قضیه نظری نیست. و بدیهی است و بایستی وزارت داخله خودش خاتمه بدهد و مجلس صلاح نیست در این قضیه شرکت کند.

رئیس — رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای بیات آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد. پیشنهاد آقای بهار

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم. این موضوع را در مجلس مطرح نکرده وزارت داخله بموجب قانون عمل نماید.

رئیس — آقای ملک الشعراء. (اجازه)

ملک الشعراء — قسمت عمده مقصود بنده از این پیشنهاد این بود این قبیل مسائل که بواسطه دخالتهای بی موجب اشخاص و افراد بیک جاهای بترنج و مشکلی رسیده در مجلس مطرح نشده و باره مسائل گفته شود که بالاخره اسباب مشاجره بین نمایندگان واقع شود بعقیده بنده برای این قبیل مسائل ما نشسته ایم و یک قوانینی وضع کرده ایم و دولت هم کاملاً مسؤول است که بموجب آن قوانین انتخابات را بجزریان بیندازد و در اینجا بنده تصدیق میکنم که وزارت داخله از نقطه نظر فشار بعضی اشخاص و مداخلاتی که بعضی از نمایندگان در قضیه انتخابات کاشان بعمل آورده اند دچار محظور شده و در عین حال نظر آقای آقاسید یعقوب را هم که گفتند از انتخابات کاشان کثافت کاری شده است تصدیق نمیکنم زیرا یک وجه تناسبی هم بین جریان انتخابات گیلان و کاشان موجود نیست و نباید اینها را با هم خلط و مزج کرد و برای اینکه این قبیل قضایا در مجلس مطرح نشود بهتر این میدانم که وزارت داخله را مسؤول اجرای قانون انتخابات دانسته و در عین حال منصفانه خودمان هم کمتر در این کارها دخالت بکنیم و بگذاریم که انتخابات بجزریان طبیعی افتاده تمام بشود و بیاید به مجلس و مثل سایر دوسیه ها در شعبه در آن دقت شود اگر صحیح بود قبول و اگر غلط بود رد کنیم. والا مداخله کردن مجلس در انتخاباتی که بجزریان افتاده است، بعقیده بنده کار لغو و خلاف قانون است و مجلس نباید مرتکب خلاف قانون بشود.

رئیس — آقای احتشام زاده (اجازه)

احتشام زاده — بنده تصدیق می کنم که انتخابات کاشان اگر اشکالی پیدا کرده است در اثر مداخله انفرادی بعضی از آقایان و کلاه است. ولی این حقیقت را نباید تردید داشت که ملت یک شهری امروز گرفتار هستند و بالاخره بدولت مراجعه می کنند. دولت هم اظهار عجز می کند چرا؟ برای اینکه در تعبیر و تفسیر یکی از مواد قانون انتخابات دوچار اشکال است اینجا تقریباً تقاضای دولت بمنزله این است که در تفسیر یکی از مواد قانون انتخابات که مربوط است بدعوت اهالی برای تشکیل انجمن و مربوط است بطرز انتخاب انجمن بدولت کمک کند و آن ماده را تفسیر کنند و البته آقایان هم تصدیق میفرمایند که تفسیر و

و مداخله میکنند مجلس شورای ملی مرکز ثقل تمام مملکت است. جماعت کاشان پناهنده شده اند و متوسل شده اند و میگویند هشت ماه نه ماه است که ما گرفتاریم یک فکری به بدبختی ما بکنید. شما میفرمائید دولت! بنده عرض می کنم دولت اقدام کرد و مفتش هم روانه کرد. بنده نمیخواهم حقیقت را کشف کنم. تلگرافات خدمت آقای رئیس است مفتش اول دعوت شده است منزل آقای سهام السلطنه چکار می کند؟! برمیگردد مینویسد صحیح است. غیر از این است؟! پس بهتر این است که مجلس در این باب یک تصمیمی بگیرد. مردم بیچاره شده اند. دولت هم عاجز است از اینکه قضیه را حل کند. ما هم اظهار عجز می کنیم؟! در واقع فرمایشات آقای حائری زاده اظهار عجز بود که میفرمایند تکلیف قانونی ما نیست که در اجرائیات مداخله کنیم برای اینکه مقتنه هستیم. کاشان هم زیروزیر شد و دوستان نفر هم بیچاره شدند نشوند. آقا، بنده عرض می کنم که مردم بیچاره شدند و مجلس باید در این قضیه وارد بشود و یک تصمیم قطعی بگیرد، این است عرایض بنده.

شیروانی — بنده اخطار قانونی دارم.

رئیس — بفرمائید.

شیروانی — بموجب قانون اساسی و نظامنامه دولت حق دارد در هر موقع کمیسیون از مجلس برای مذاکره در قضایا بخواهد و بعقیده بنده به این مراسم دولت نمیشود رأی داد مگر آنکه مجلس رأی اعتماد خودش را نسبت بدولت نقض کند والا دولت حق دارد یک کمیسیونی از مجلس بخواهد و معمولاً رئیس مجلس آن کمیسیون را انتخاب می کرد و اگر مسأله مهمی بود به مجلس

مراجعه می کرد حالا هم ممکن است رئیس محترم مجلس مراسله را مسکوت عتبه بگذارند و خودشان یک کمیسیونی معین کند و به بینند دولت حرفش چیست؟ و بالاخره این مراسله قانونی نیست. و بنده نمیدانم چه طور میتوان به آن رأی گرفت.

رئیس — اولاً اخطار قانونی بود یا نبود به آن کار ندارم ولی برطبق قانون اساسی هر یک از وزراء حق دارند تقاضای کمیسیونی از مجلس بکنند. اما در آنجا تصریح نشده است که در بیرون بطور شخصی بخواهند یا رسماً از مجلس و این موضوع رسماً به مجلس نوشته شده است و از مجلس تقاضا کرده اند بنده هم به مجلس اعلام میکنم و مطابق با صریح قانون اساسی هم هست. رأی گرفته میشود به قبول این تقاضا مجلس اگر قبول می کند رأی میدهد. والا رأی نمیدهد. بطور خصوصی از بنده اگر میخواستند مطابق معمول بنده هم این کار را نمی کردم ولی از مجلس خواسته اند بنده هم به عرض مجلس رساندم و حق قانونیش هم همین است. رأی میگیریم به قبول این تقاضا از طرف وزارت داخله آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس — تصویب نشد. آقایان موافقند جلسه را ختم کنیم؟

جمعی از نمایندگان — صحیح است.

رئیس — جلسه آتیه روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر

دستور خبر کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی.

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین

منشی: عبدالامیر منشی: امیر تیمور کلالی